

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

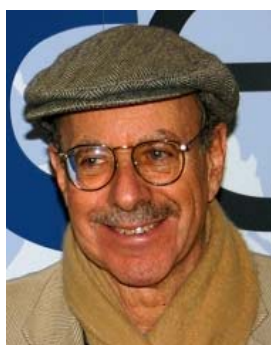
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۲۷ فبروری ۲۰۱۹



جیمز پتراس

سابقه تاریخی امریکا در تغییر رژیم ها



درحالی که امریکا برای سرنگونی دولت مستقل و دموکراتیک ونزوئلا تلاش می کند، اما سابقه تاریخی اش درباره عواقب کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت متفاوت است. ما ابتداء عواقب و تأثیر مداخله امریکا در ونزوئلا را در نیم قرن گذشته بررسی می کنیم، سپس به موفقیت و شکست امریکا در «تغییر رژیم ها» (رژیم چنج) در سرتاسر امریکای لاتین و کارائیب می پردازیم.

ونزوئلا: نتایج و چشم اندازهای ۱۹۵۰-۲۰۱۹

در طول دهه پساجنگ جهانی دوم، امریکا، از طریق سیا و پنتاگون، رژیم های دست نشانده مستبد را در ونزوئلا، کوبا، پرو، چیلی، گواتمالا، برزیل و چندین کشور دیگر به قدرت رساند. در مورد ونزوئلا، امریکا نزدیک به یک دهه طولانی از دیکتاتوری نظامی (پرز خمینز)، حدوداً بین سال های ۱۹۵۱-۱۹۵۸ حمایت نمود. این دیکتاتوری در سال ۱۹۵۸ سرنگون گشت و با یک ائتلاف چپ - سنتر برای یک دوره موقت جایگزین گردید. متعاقباً، امریکا سیاست خود را دوباره تغییر داد، و رژیم های سنتر- راست را در آغوش گرفت و ترویج داد که توسط دموکرات های اجتماعی و مسیحی رهبری می شدند و به طور متناوب برای تقریباً چهل سال حکومت کردند.

رژیم‌های دست‌نشانده آمریکا که در سال‌های ۱۹۹۰ مملو از فساد بودند و با بحران‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو بودند، از قدرت برکنار شدند و دولت مستقل، ضدامپریالیست به رهبری رئیس‌جمهور چاوز جایگزین شد. انتخاب دموکراتیک و آزاد رئیس‌جمهور چاوز مقاومت کرد و چندین «رژیم چنج» به رهبری آمریکا را در دو دهه آینده شکست داد.

پس از انتخاب رئیس‌جمهور مادورو، تحت دستور واشنگتن، سیا و پنتاگون تشکیلات و سازمان‌های سیاسی را جهت یک رژیم چنج جدید به کار گرفتند. واشنگتن با سرعت زیاد، یک کودتا را در زمستان ۲۰۱۹ راه اندازی کرد. سابقه مداخله آمریکا در ونزوئلا متفاوت است: یک کودتای نظامی میان دوره ای کمتر از یک دهه ادامه داشت؛ آمریکا رژیم انتخاباتی را که در قدرت بودند برای چهل سال هدایت کرد؛ جایگزین آن‌ها توسط یک دولت منتخب محبوب و ضدامپریالیست برای نزدیک به ۲۰ سال در قدرت بوده است. امروز یک کودتای کینه جو تحت رهبری آمریکا در راه است.

تجربه ونزوئلا با «رژیم چنج» با استعداد آمریکا جهت کنترل کامل و درازمدت صحبت می‌کند، چنانچه بتواند پایگاه قدرت را از دیکتاتوری نظامی به رژیم انتخاباتی بازسازی کند، از طریق غارت نفت سرمایه‌گذاری کند، با یک ارتش قابل اعتماد حمایت شود و توسط احزاب سیاسی متناوب دست‌نشانده که حاضر به تسلیم دستورات واشنگتن هستند، «مشروع شوند».

رژیم‌های دست‌نشانده آمریکا توسط نخبگان الیگارش، با ظرفیت کم کارآفرینی حکومت می‌کنند، و با رانت‌های دولتی (درآمد نفتی) زندگی می‌کنند.

نخبگان حاکم که به آمریکا وابسته‌اند، قادر به تأمین وفاداری مردم نیستند. رژیم‌های دست‌نشانده به قدرت نظامی پنتاگون وابسته‌اند – که این هم نقطه ضعف آن‌هاست.

رژیم چنج از لحاظ تاریخی - منطقه نی

ساخت عروسک دست‌نشانده یک هدف استراتژیک ضروری برای کشور امپریالیستی امریکااست. نتایج بسته به ظرفیت دولت‌های مستقل جهت موفقیت در ساخت کشور در طول زمان متفاوت است. ساخت عروسک دست‌نشانده توسط آمریکا در درازمدت در کشورهای کوچک با اقتصاد آسیب پذیر بسیار موفقیت آمیز بوده است.

کودتا به رهبری آمریکا در گواتمالا بیش از شصت سال – از ۱۹۵۴ تا ۲۰۱۹ ادامه داشته است. شورش‌های بزرگ و محبوب بومیان از طریق مشاوران نظامی و با کمک (مالی) آمریکا سرکوب شده‌اند.

ساخت عروسک دست‌نشانده موفق مشابه آن‌چه در پاناما، گرانادا، جمهوری دومینیکن و هائیتی رخ داده است. کوچک و فقیر بودن و داشتن نیروی نظامی ضعیف یک کشور، آمریکا را به سرعت علاقه مند به مداخله مستقیم و اشغال کشورهائی می‌کند که با هزینه‌های کم از نظر اقتصادی و جانی نظامیان همراه است.

واشنگتن در کشورهای نامبرده شده در بالا، موفق به تحمیل و حفظ رژیم‌های دست‌نشانده برای دوره‌های طولانی از زمان شده است.

امریکا در نیم قرن گذشته، کودتاهای نظامی را با نتایج متضاد رهبری کرده است.

در ارتباط با مورد هندوراس، پنتاگون قادر شد که دولت لیبرال دموکراتیک مترقی را در زمان بسیار کوتاهی سرنگون سازد. ارتش هندوراس تحت سلطه آمریکا بود، و مانوئل زیلایا را که وابسته به یک اکثریت قاطع از رأی دهندگان

غیرمسلح بود، به عنوان رئیس جمهور انتخاب کرد. متعاقب کودتای موفقیت آمیز، دست نشاندۀ هندوراس برای دهه های بعد و احتمالاً فراتر از آن تحت فرمانروائی امریکا باقی ماند.

چیلی برای بخش بهتر قرن بیستم تحت قیمومت امریکا بوده است، به جز یک زمان کوتاه مدت در طول دولت جبهه خلق بین سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۱ و یک دولت سوسیال دمکرات بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳. ارتش امریکا که کودتای ۱۹۷۳ را رهبری کرد، دیکتاتوری پیנוچیت را تحمیل نمود که هفده سال به طول انجامید. به دنبال این روند یک رژیم انتخاباتی دستور کار نئولیبرال امریکا - و پینوچیت را ادامه داد، از جمله برگشت از همه اصلاحات ملی مردمی و اجتماعی. در یک کلام، چیلی برای بخش بهتر از نیم قرن در مدار سیاسی امریکا باقی ماند.

رژیم سوسیالیست - دمکراتیک چیلی (۱۹۷۰-۷۳) هرگز مردم خود را مسلح نکرد و نه ارتباط اقتصادی خارجی برقرار نمود تا یک سیاست خارجی مستقل تضمین کند.

تعجبی ندارد که چیلی در روزهای اخیر از دستورات امریکا جهت سرنگونی مادورو رئیس جمهور ونزوئلا پیروی می کند.

ساخت متضاد عروسک دست نشاندۀ

چندین کودتای امریکا برای مدت طولانی تر یا کوتاه تر شکست خوردند.

کوبا نمونه کلاسیک یک شکست موفقیت آمیز برای یک رژیم دست نشاندۀ است، که رژیم دست نشاندۀ ده ساله امریکا، دیکتاتوری باتیستا را سرنگون ساخت، و با موفقیت در برابر تهاجم و محاصره اقتصادی به رهبری سیا برای بخش بهتر نیم قرن (تا به امروز) مقاومت می کند.

شکست امریکا در کوبا جهت سیاست استقرار مجدد یک عروسک دست نشاندۀ، نتیجه تصمیم رهبری فیدل کاسترو در مسلح کردن مردم، مصادره و کنترل شرکت های بزرگ (کورپورات های) متخاصم امریکائی و چند ملیتی و ایجاد متحدان ستراتیژیک خارج از کشور - اتحاد جماهیر شوروی، چین و به تازگی هم با ونزوئلا بود.

در مقابل، یک کودتای نظامی با حمایت امریکا در برزیل (۱۹۶۴) به بیش از دو دهه طول کشید، قبل از این که سیاست های انتخاباتی تحت رهبری نخبگان تا حدی ترمیم شود.

بیست سال سیاست های اقتصادی نئولیبرال شکست خورده منجر به انتخاب حزب کارگران اصلاح طلب اجتماعی (دبلیو پی) شد که در زمینه سیاست های نئولیبرالی، به اجرای برنامه های گسترده مبارزه با فقر اقدام کرد.

پس از یک و نیم دهه اصلاحات اجتماعی و سیاست خارجی نسبتاً مستقل، حزب کارگران اصلاح طلب اجتماعی به سیرنزولی اقتصاد وابسته به کالا و شرایط خصمانه (از جمله قضائی و نظامی) تسلیم شد و با یک جفت از رژیم های راست افراطی دست نشاندۀ امریکا جایگزین شد که تحت دستورات وال استریت و پنتاگون انجام وظیفه می کند.

امریکا مکرراً در بولیوی، با حمایت از کودتای نظامی و رژیم های دست نشاندۀ علیه رژیم های پوپولیست ملی کوتاه مدت مداخله کرد (۱۹۴۵، ۱۹۷۰ و ۲۰۰۱).

در سال ۲۰۰۵، یک قیام مردمی منجر به انتخابات آزاد و انتخاب ایوو مورالس، رهبر جنبش های کشاورزان کوکا شد. بین سالهای ۲۰۰۵-۲۰۱۹ (تا کنون) رئیس جمهور مورالیس یک دولت ضدامپریالیست چپ مرکز میانه رو را رهبری کرده است.

تلاشهای ناموفق امریکا جهت سرنگونی دولت مورالس ناشی از چندین عامل بود:

مورالس ائتلاف دهقانان و کارگران (به ویژه معدنچیان و کشاورزان کوکا) را سازمان‌دهی و بسیج کرد. او وفاداری ارتش را تضمین نمود، اسب تروای امریکا «سازمان‌های کمک رسانی» را اخراج کرد و کنترل بر نفت و گاز را گسترش داد و روابط با کسب و کار کشاورزی بیشتر کرد.

ترکیبی از سیاست خارجی مستقل، یک اقتصاد مختلط، افزایش رشد و اصلاحات مناسب، مانع ساخت عروسک دست نشاندۀ توسط امریکا شد.

اما در مورد ارجنتاین چنین نبود. پس از یک کودتای خونین (سال ۱۹۷۶) که ارتش تحت حمایت امریکا ۳۰۰۰۰ (سی هزار) شهروند را به قتل رساند، ارتش توسط ارتش بریتانیا در جنگ مالویناس شکست خورد و پس از هفت سال در قدرت کنار کشید.

رژیم عروسکی دست نشاندۀ پسانظامی یک دهه حکومت و غارت کرد تا این‌که در سال ۲۰۰۱ سقوط کرد. آن‌ها توسط یک قیام مردمی سرنگون شدند. با این‌حال، چپ رادیکال که فاقد همبستگی بود توسط رژیم‌های چپ-مرکز (کیرشنر – فرناندیز) جایگزین شد که برای بخش بهتری از یک دهه (۲۰۰۳-۲۰۱۵) حکومت کرد.

رژیم‌های رفاه اجتماعی مترقی-نئولیبرال وارد بحران شدند و در سال ۲۰۱۵، توسط رژیم عروسکی دست نشاندۀ مورد حمایت امریکا (ماکری) برکنار شدند، که اقدام به برگرداندن اصلاحات کرد، اقتصاد را خصوصی نمود و کشور را مطیع بانکداران و سفته‌بازان امریکا کرد.

پس از دو سال در قدرت، رژیم عروسکی دست نشاندۀ متزلزل شده است، اقتصاد رو به رکود است، و چرخه‌ای دیگر از سرکوب و اعتراضات جمعی پدیدار گشته است. حکومت رژیم عروسک دست نشاندۀ امریکا ضعیف و بدون نقطه اتکاء است، توده مردم خیابان‌ها را پُر می‌کنند، درحالی‌که پنتاگون چاقوهای خود را تیز می‌کند و آماده می‌شود که دست نشاندگانی را جایگزین رژیم کنونی خود بگمارد.

نتیجه‌گیری

امریکا در میان کشورهای بزرگی که سازمان‌های توده‌ئی و حامیان نظامی دارند، نتوانسته است موفق به تحکیم رژیم چنچ شود.

واشنگتن موفق شده است که رژیم‌های مردمی و ملی را در برزیل و ارجنتاین سرنگون سازد. با این‌حال، در طول زمان رژیم‌های عروسکی دست نشاندۀ تغییر کرده اند.

در حالی‌که امریکا جهت سرنگونی دولت‌های محبوب و آسیب پذیر اغلب به یک «روش» (کودتاهای نظامی و تهاجم) متوسل می‌شود، اما در مورد کشورهای بزرگ و نیرومندتر متکی به کاربرد ستراتیژی «چندین روش» است. در مورد اولی، معمولاً فراخوان به ارتش یا اعزام تفنگداران دریائی کافیست که یک دموکراسی انتخاباتی را سرنگون سازد.

در مورد دومی، امریکا به ستراتیژی چندین پروکسی متکی می‌شود که شامل حملۀ رعدآسای رسانه‌ئی جمعی، به دموکرات‌ها برچسب دیکتاتور، افراط‌گرا، فاسد، تهدیدات امنیتی زدن، و غیره متوسل می‌شود.

درحالی‌که تنش افزایش یابد، دست نشاندۀ منطقه‌ئی و کشورهای اروپائی سازمان‌دهی می‌شوند که از عروسک‌های دست نشاندۀ محلی حمایت کنند.

پرزیدنت امریکا که با انگشت اشاره او رأی میلیون‌ها رأی دهنده برمی‌گردد، «رئیس جمهورهای» دروغین را به اوج می‌رساند. تظاهرات خیابانی با پرداخت پول برای خشونت، توسط سیا جهت بی‌ثبات کردن اقتصاد؛ تحریم نخبگان کسب

و کار و فلج کردن تولید و توزیع سازمان‌دهی می‌شود... میلیون‌ها دالر در رشوه به قضات و مقامات نظامی هزینه می‌شود.

اگر امریکا بتواند رژیم چنج را با ساتراپ‌های نظامی محلی کامل کند، از مداخله نظامی مستقیم خودداری می‌نماید. رژیم چنج در میان کشورهای بزرگتر و ثروتمندتر، بین یک یا دو دهه طول می‌کشد. با این حال، گزینه تعویض یک رژیم دست‌نشانده انتخاباتی ممکن است که قدرت امپریالیستی را در یک دوره طولانی تر – مانند مورد چیلی – تقویت کند.

جائی که حمایت مردمی قدرت‌مندی برای یک رژیم دموکراتیک وجود دارد، امریکا حمایت ایدئولوژیکی و نظامی را در مقیاس وسیع برای یک قتل عام ارائه می‌دهد، مانند مورد ارجنتاین. پیش‌بینی می‌شود که مرحله نهائی جهت رژیم چنج در ونزوئلا خونین باشد. برای این‌که امریکا باید صدها هزار نفر را به قتل برساند تا بتواند میلیون‌ها نفر را نابود کند که تعهدات عمیق و یک طول عمر خود را جهت دست‌آوردهای اجتماعی، وفاداری به ملت، و برای شأن و منزلت خود صرف کرده اند.

درمقابل بورژوازی، و حامیان آن‌ها درمیان خائنان سیاسی، به دنبال انتقام هستند و به پست‌ترین اشکال خشونت متوسل می‌شوند تا این‌که فقراء را از دست‌آوردهای اجتماعی و خاطرات آزادی و کرامت خود محروم سازند. تعجبی ندارد که توده‌های ونزوئلا برای یک مبارزه طولانی و قطعی آماده می‌شوند: در این مبارزه نهائی با امپریالیسم و عروسکان دست‌نشانده اش، همه چیز را می‌توان برد یا باخت.

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارنل (بازنشسته) جامعه‌شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است.

برگردانده شده از:

US 'Regime Changes': The Historical Record, By: James Petras

<https://petras.lahaine.org/us-regime-changes-the-historical-record/>

<https://petras.lahaine.org/b2-img/PetrasUSRegimeChanges.pdf>